

تبیین تأثیرات نظام قدرت بر منسوجات دوره قاجار*

ملیحه صالحیه یزدی**
زینب صابر***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

مجله صنایع
پژوهشی ایران

دفصلنامه علمی هنرهای صناعی ایران

سال چهارم، شماره ۲، پیاپی ۷

پاییز و زمستان ۱۴۰۰

۱۰۵

چکیده

یکی از نمودهای فعالیت‌های هنری، تولید منسوجات و متعلقات وابسته به آن مانند پوشاک و پارچه‌های زینتی و ملزومات کاربردی است که در هر دوره به فراخور زمان دارای تغییراتی بوده، که از آن جمله می‌توان به بازه زمانی قاجار اشاره کرد. در این دوره بسیاری از هنرها از جمله طراحی پارچه تحت تأثیر عوامل بسیاری چون تحولات سیاسی و اجتماعی وقت قرار گرفته است. از این رو می‌بایست به رویکردهای گفتمانی اشاره کرد که بسیاری از ساختارهای اجتماعی قدرت را تغییر و تحول داده است. رویکرد تحلیل گفتمان، ابزار و کارکردهای شبکه قدرت را روشی می‌داند که با سازوکارهای تعیین شده، به تأثیر در شکل ساختاری آن نظام اجتماعی می‌پردازد و کشف معنا و درک اعمالی را میسر می‌سازد که به صورت نظام‌مند در چشم بسیاری نامعلوم است. حال این سؤال مطرح است که ساختار قدرت حاکم در دوره قاجار چه تأثیری بر منسوجات این دوره داشته است. پژوهش حاضر به صورت کیفی (توصیفی تحلیلی) و چهارچوب نظری تحقیق بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان شکل گرفته است. در این پژوهش با بهره‌گیری از ابزار مشاهده و روش نمونه‌گیری هدفمند، ۱۲ نمونه پارچه‌های موجود در موزه‌ها که بیشترین تأثیرات دریافتی را از قدرت حاکم در رنگ، جنس و بافت داشته‌اند، به شیوه تحلیل گفتمان بررسی شده است. این مطالعه با بیان باز نمود تأثیرات و تحولات اقتصادی و اجتماعی متأثر از قدرت حاکم، پارچه‌های دوره قاجار را مورد خوانش قرار داده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شکل‌بندی نظامی سیاسی و اجتماعی حاکمان وقت در دوره قاجار بر روند تولید منسوجات این دوره مؤثر بوده و نظام تولید و مصرف منسوجات در پی تأثیرات دریافتی از گفتمان قدرت حاکم بر جامعه تغییرات ویژه‌ای داشته است.

کلیدواژه‌ها: دوره قاجار، تحلیل گفتمان، نظام قدرت، منسوجات قاجار، طراحی پارچه.

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد ملیحه صالحیه یزدی با عنوان واکاوی گفتمان قدرت در منسوجات دوره قاجار به راهنمایی دکتر زینب صابر است.

** کارشناسی ارشد هنر اسلامی، گرایش مطالعات تطبیقی، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران / malihe.salehieh@gmail.com

*** دانشیار گروه هنر اسلامی، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) / z.saber@aui.ac.ir

۱. مقدمه

بسیاری از هنرها در دوره‌های تاریخی، متأثر از شرایط حاکم بر جامعه بوده‌اند. هنرهای کاربردی به‌طبیع، به‌دلیل رفع بسیاری از نیازهای انسان‌ها بیشتر مورد توجه بوده و همچنین تغییر و تحولات روزافزونی را تجربه کرده است. در این بین می‌توان به هنر طراحی و تولید منسوجات اشاره کرد که با زندگی روزمره افراد یک جامعه چه در قالب پوشش و چه در قالب منسوجات کاربردی، در اسباب و وسایل مصرفی، ارتباط مستقیم داشته است. این هنر-صنعت، در عصر قاجار مرحله‌ای از تغییر و تحول را متأثر از قدرت حاکم بر جامعه تجربه کرده که بررسی آن از طریق کاربری نظریات گفتمانی قابل تأمل است. از این رو برای تبیین ماهیت این هنر می‌بایست بسیاری از گزاره‌های متنی و تصویری مورد خوانش قرار گیرد؛ چراکه این گزاره‌ها دلالت بر صورت‌بندی‌های گفتمانی دارند که همبستگی آن‌ها معناهایی را به‌عنوان متن گفتمانی در یک ارتباط چندسویه توصیف می‌کند و درک اعمالی را می‌سازد که در چشم بسیاری از افراد نامفهوم بوده است. در این پژوهش، منسوجات به‌عنوان گزاره‌های تصویری معنادار که متأثر از گفتمان قدرت هستند شناخته شده است، بنابراین برای تحلیل این گفتمان باید متون تاریخی و اجتماعی آن‌ها در عصر قاجار مورد خوانش قرار بگیرد؛ زیرا تحولات ایجادشده همگی بر بستر تاریخی خود مستلزم تحلیل و بررسی هستند.

در اواخر سده دوازدهم هجری قمری خاندان قدرت‌طلب قاجار جایگزین خاندان کریم‌خان زند شد (گشایش ۱۳۹۲، ۲۵۰)؛ آن‌ها یکی از طوایف بودند که از نژاد مغول محسوب می‌شدند (شاه‌حسینی ۱۳۵۶، ۳۰۱). مورخان آغاز پادشاهی قاجاریه را از سال ۱۱۳۳ق می‌دانند اما نخستین پادشاه این سلسله فرزند ارشد محمدحسن خان قاجار است که در تاریخ ایران به آقا محمدخان شهرت داشته است (نوائی ۱۳۶۹، ۱۶). در این دوره، آقا محمدخان در سال ۱۱۹۹ق تهران را گرفت (آژند ۱۳۹۷، ۷۷۷) و پس از برانداختن زندیه و بازماندگان افشاریه در کاخ گلستان تاج‌گذاری کرد (محمدپناه ۱۳۹۲، ۱۵۰). تأسیس سلسله قاجاریه به دست آقا محمدخان در سال ۱۲۰۰ق/۱۷۸۶م آغازگر دوره‌ای آرام و ثبات نسبی در ایران بود که با گذر از قرن نوزدهم، تا سال ۱۳۴۳ق/۱۹۲۵م به طول انجامید (اسکرس ۱۳۹۹، ۴۹). اما با گسترش حاکمیت این طایفه در پهنه جغرافیایی ایران به‌کل جایگزین حکومت صفویه شدند. با لشکرکشی آقا محمدخان به خراسان، بلخ و کابل بسیاری از خان‌های محلی از ترس مجازات شاه تحت لوی قدرت او درآمدند (شمیم ۱۳۹۹، ۳۸). در اواخر سلطنت او امور تجارت از هر طرف ترقی داشت. رواج امور تجاری از یک‌سو و رویارویی قاجار با هنر و تمدن غرب از سوی دیگر و همچنین قدرت‌مآبی شاهان قاجار سبب شد تا زمینه‌های نقش قدرت بر هنر و صنایع مختلف پررنگ‌تر شود؛ به همین سبب، تقاخر و ایهت لباس‌های سلطنتی صفویه در زمان سلطنت جانشینان قاجار دوباره رواج یافت (دیبا ۱۳۹۱، ۲۱۶). دولت قاجار که با تمام سازمان‌ها و اقتدارات خود در وجود شخص شاه خلاصه می‌شد و تمام افراد و عناصر تشکیل‌دهنده دولت، همگی از دست‌نشانده‌های او خوانده می‌شدند (شمیم ۱۳۹۹، ۲۵۹). در مناسبت‌های مختلف برایشان هیچ‌چیز فراتر از مجد و عظمت دربار ایران نبود و والاترین جلال و شکوه را در بزرگداشت خود عرضه می‌داشتند که با منضبط‌ترین نظم و قراردادهای حفظ می‌شد (وردن و بیکر ۱۳۹۶، ۳۲). عاملی که نشان قدرت شاه و شرایط حاکم بر جامعه را توصیف می‌کرد، ضوابطی بود که به‌نحوی بر روی هنرهای مختلف از جمله طراحی و تولید منسوجات مؤثر بوده است. رواج صنعت پارچه‌بافی و تبدیل شدن به یک عنصر برای معاملات و گسترش آن در گفتمان‌های اجتماعی سبب شد تا لباس و هدیه دادن پارچه چنان پراهمیت شود که در دربار اتاقی به نام صندوقخانه ساخته شود (شهشهانی ۱۳۹۶، ۳۷). آنچه مشخص است از شکل‌گیری زمینه‌های اجتماعی در بستر قدرت حاکم و تأثیر آن‌ها در تولید و فرم منسوجات است که از اهمیت نقش منسوجات در این دوره حکایت می‌کند. برای اغلب شاهان قاجار پوشاک و منسوجات در درجه بالایی اهمیت قرار داشته است؛ برای مثال فتحعلی‌شاه، که می‌توان او را پیشاهنگ و مبدع مد معاصر دانست، از مهارت و هنر بافندگان درباری کمال بهره را می‌برد (اسکرس ۱۳۹۹، ۱۷۹) و از منسوج تولیدشده در بسیاری از مراودات سیاسی و اقتصادی چون کالایی ارزشمند بهره می‌برد. در این دوره احیای صنعت ابریشم، بافته‌های مجللی را برای دربار به ارمغان آورد که ناظران خارجی را به شدت تحت‌تأثیر شکوه پوشاک سلطنتی و مردان قرار می‌داد (دیبا ۱۳۹۱، ۲۱۶) و عواملی را به وجود آورد که زمینه دادوستدهای تجاری و فرهنگی منسوجات را بیش‌ازپیش افزون کرد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

جست‌وجوهای کتابخانه‌ای و الکترونیکی، مطالعات گسترده و پراکنده‌ای را بر روی طرح و نقش متداول پارچه‌ها و منسوجات دوره قاجار در

اختیار قرار می‌دهد لیکن هیچ منبع جامع و یکپارچه‌ای که با اهداف این پژوهش همگام باشد، یافت نشد. با وجود این، برخی موارد مورد توجه هستند که در مطالعات نظری این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. دل‌زنده (۱۳۹۶) در کتاب تحولات تصویری هنر ایران به بررسی و تحلیل گفتمان نقاشی‌های پرتره شاهان قاجار می‌پردازد و عوامل مختلفی مانند تاج کیانی و تزیینات به‌کاررفته در پوشش و... را مورد بررسی قرار می‌دهد و این آثار را عواملی در جهت مشروعیت حکومت و گفتمان سیاسی همبسته با آن معرفی می‌کند. همچنین سجوی و مرادی (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی گفتمان مشروطیت بر هنجارهای تصویری دوره قاجار می‌پردازند و دل‌هایی چون عدالت آزادی و اصلاحات را مفصل‌بندی‌های گفتمان معرفی می‌کنند و تأثیرات آن‌ها را در تصاویر به‌جامانده از این دوره تحلیل می‌کنند. جمشیدیان و آرامشی‌نیا (۱۳۹۷) در پژوهش خود به بررسی گفتمان سفرنامه و تأثیر آن بر نواحی عصر ناصری پرداخته و ارتباط ایرانیان با اصول جدید تمدن و مدرنیته و نظام فکری و سیاسی جدید را در خصوص مشاهده مستقیم ایرانیان از جوامع اروپایی بیان می‌کنند. اما آنچه مسلم است اینکه برای بررسی و تحلیل تأثیر گفتمان‌های قدرت بر منسوجات دوره قاجار لازم است به پیشینه و عوامل مؤثر در تولید پارچه‌های این دوره پرداخته شود. پیشینه هنر-صنعت پارچه‌بافی، در ایران به استناد آثار و بقایای به‌جامانده در ادوار مختلف در بسیاری از پژوهش‌های پیشین، رویکرد پژوهشی محققان و مطالعه تطبیقی منسوجات از دوره‌های متفاوتی بوده است. در این خصوص مطالعه و پژوهش در حیطه منسوجات دوره قاجار مستثنا نبوده و به بررسی دقیق فنون و روش‌های تولید این پارچه‌ها در مطالعات مختلف پرداخته شده است (Gillow 2017). با معرفی انواع پارچه‌های تولیدشده در دوره‌های مختلف، منسوجات قاجار را نه صرفاً برای پوشش بلکه به‌نحوی نوعی از ثروت معرفی می‌کند. همچنین پوپ و آکرمن (۱۳۹۴) به رویکردهای صنعتی تولید پارچه در کتاب شاهکارهای هنر ایران در پایان عهد صفوی و آغاز انقلاب صنعتی در ایران پرداخته و بیان می‌کنند: اکنون هنرمندان ایران باید هنر خود را با صنعتی جدید تطبیق دهند (Carey 2017). در کتاب *Persian Art* به معرفی هنرهای مختلف ایران و همچنین پارچه‌های دوره قاجار موجود در موزه متروپلی تن و بیان فنون تولید این منسوجات پرداخته شده است. روح‌فر (۱۳۸۰) به معرفی نمونه پارچه‌ها و توصیف برخی از اصطلاحات پارچه‌ها در متون تاریخی و ادبی پرداخته است. همچنین مبینی و اسدی (۱۳۹۶) سیر تطور پوشاک و بررسی زمینه‌های جامعه‌شناسی، مدگرایی و غرب‌گرایی و تمایزات اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در منابع مختلف از پارچه‌های قاجار یادشده به‌نحوی که غیبی (۱۳۸۸) به معرفی برخی از لباس‌ها و منسوجات رایج در دوره قاجار می‌پردازد و برخی از تولیدات و منسوجات به‌کاررفته در پوشاک این دوره را معرفی می‌کند. در بسیاری از پژوهش‌های ذکرشده علاوه بر نگاه تاریخی به منسوجات دوره قاجار به مطالعه تطبیقی این آثار با نمونه‌های پیشین یا توصیف فرمی این پارچه‌ها پرداخته شده است. در این پژوهش سعی بر آن است تا از منظر فوکو به واکاوی گفتمان قدرت و تبیین نقش آن بر روند تولید منسوجات دوره قاجار در قالب کاربرد و ویژگی‌های بصری این مصنوعات هنری پرداخته و عوامل و شرایط حاکم بر جامعه که از یک‌سو کاهش توان تولید توسط صنعتگران و تغییر رویه و جایگزین کردن روش‌های جدید و از سوی دیگر نفوذ این پیامدها را در شکل‌گیری فرم‌های بصری جدیدی بر منسوجات این دوره به همراه داشته، مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱. روش تحقیق

نظریه‌ها و اندیشه‌های قرن بیستم غالباً اندیشه‌های متن‌محور هستند، بدین معنی که ارجاعات آن‌ها استوار بر متون است. بدین سبب برای درک و دستیابی به متن چنین پیش‌فرض‌هایی نیاز به تحلیل محتواست. تحلیل محتوا به‌منزله روشی برای تحلیل تصاویر بصری به بحث گذاشته می‌شود؛ در واقع تحلیل محتوا متکی به قواعد و روالی است که باید برای تحلیل تصاویر یا بررسی متون مورد استفاده قرار می‌گیرد (رز ۱۳۹۸، ۱۱۷). تحلیل گفتمان به بررسی متن، چه به‌صورت نوشتار یا گفتار کوتاه یا بلند، رابطه متن با بافتی می‌پردازد که از آن برخاسته است و در آن گردش می‌کند (تیلور ۱۳۹۹، ۱۳). بدین منظور برای بررسی تأثیر قدرت در شکل‌گیری پارچه‌های دوره قاجار و بیان نقش آن‌ها در دانش تولید، ویژگی فرمی و کاربرد منسوجات لازم است گزاره‌های متنی و نظام‌های نشانه‌ای مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان به واکاوی گفتمان قدرت حاکم بر جامعه و همچنین تأثیرات آن بر ساختارهای فرم، رنگ و جنس منسوجات در این دوره دست یافت. در این مقاله شیوه پژوهش از منظر روش، تحلیل گفتمان و بررسی نمونه‌ها با رویکرد مطالعه گفتمان قدرت از منظر فوکو انجام شده است. یکی از وجوه نظریات فوکو «تبارشناسی دانش و قدرت» و رابطه میان صور مختلف آن است؛ چراکه از منظر او گفتمان دارای معنای کاملاً خاصی است و اشاره به گروه‌هایی از گزاره‌ها دارد که شیوه تفکر درباره یک چیز و نحوه عمل بر اساس آن ساختار می‌دهد (رز ۱۳۹۸، ۲۵۷). از نظر فوکو، دانش

است که قدرت را ایجاد می‌کند و شکلی از گفتمان را نظم می‌دهد که ما را به سوی دغدغه گفتمان یعنی قدرت هدایت می‌کند (همان، ۲۵۹). در حقیقت چنین می‌توان اذعان داشت که گزاره‌ها و نظام‌های نشانه‌ای در یک گفتمان عواملی هستند در جهت تحلیل متن، و در بسیاری از گفتمان‌ها گزاره‌ها با بافت و موقعیت اجتماعی و فرهنگی خود و همچنین قدرت حاکم بر جامعه چون زنجیره‌ای با یکدیگر متصل هستند که سوار بر دانش‌ها و اندیشه‌هایی بوده که متأثر از کارکردهای قدرت‌ها، یک گفتمان را شکل می‌دهند. در این پژوهش عواملی مانند جنس پارچه‌ها، نقوش شکل گرفته بر بستر منسوجات و رنگ‌های مورد مصرف، به‌عنوان مقوله‌های گفتمان قدرت در نظر گرفته شده است. همین عوامل زمینه‌هایی را در جهت تحکیم قدرت و گسترش آن به‌عنوان یک الگو و گفتمان در سراسر جامعه میسر ساخته که شاخصه‌های هنر طراحی پارچه و تولید منسوجات را دچار تغییر و تحول نموده است.

بدین منظور مقاله حاضر سعی دارد بر اساس نظریه تحلیل گفتمان در آراء فوکو، و با روش تحقیق کیفی به بررسی تأثیر گفتمان قدرت بر ساختارهای شکل دهنده رنگ، فرم و بافت منسوجات عصر قاجار بپردازد. حال طرح این سؤال مطرح است که عوامل ذکر شده چه تأثیری بر هنر و صنعت نساجی دوره قاجار گذاشته است و گفتمان‌های حاکم چه تأثیری بر معنا و فرم (رنگ، نقش و جنس) این منسوجات داشته‌اند؟ بدین منظور با بهره‌گیری از ابزار مشاهده و روش نمونه‌گیری هدفمند، ۱۲ نمونه از منسوجات بازه زمانی قاجار که همسو و سازگار با مسئله پژوهش پیش روست، مورد خوانش قرار گرفته است. منسوجات بررسی شده در میان نمونه‌های موجود، شاخص‌ترین ویژگی‌های دریافتی را از تأثیرات قدرت در بر داشته‌اند. در این پژوهش با توصیف نهاد قدرت و مقوله‌بندی بر اساس دانش تولید و رنگ، فرم، جنس و کاربرد منسوجات به‌عنوان گزاره‌های اصلی، به تحلیل نقش قدرت حاکم در دوره قاجار بر منسوجات پرداخته شده است. ویژگی‌های فرمی پارچه‌های ایران در دهه‌های حکومت شاهان قاجار و ارتباط آن با تدابیر و گفتمان‌های حاکم بر جامعه، یکی از عواملی است که ضرورت به تحلیل بر روی این سنخ از منسوجات را پررنگ‌تر می‌کند تا در نهایت با بررسی نمونه آثار موجود و خوانش گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی، به شناخت هرچه دقیق‌تر عوامل مؤثر بر دانش تولید و گزاره‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری این منسوجات بینجامد.

۲. گفتمان قدرت

دو برداشت غالب از قدرت در اندیشه سیاسی غرب در دوران مدرن بررسی شده‌اند: یکی قدرت به‌منزله یک کمیت یا همان توانایی دست زدن به عمل و دیگری، قدرت به‌مثابه مقوله‌ای که مستلزم اجماع یا دست‌کم توافق عده کثیری است که در نتیجه آن اجماع و توافق، برای خود حقی را در دست زدن به عمل قائل می‌شوند (هیندس ۱۳۹۹، ۱۵). چگونگی تغییر در نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی ساختارهای هنری در یک جامعه در هر دوره تاریخی متصل و سوار بر بسیاری از تحولات اساسی در یک گفتمان، مانند قدرت‌های حاکم بر جامعه است. پس باید دریابیم که فقط واژگان و گزاره‌های زبانی توصیفگر آن‌ها نخواهند بود. از این‌رو در خواهیم یافت که نشانه‌ها و الگوهای مختلفی در جهت تحلیل متن بسیاری از این گفتمان‌ها مؤثر خواهند بود (فوکو ۱۳۷۹، ۹۵). فوکو مدعی است هرچقدر قدرت وجود دارد، مقاومت وجود دارد. از نگاه فوکو، در هر جامعه نهادها و فناوری‌هایی است که از طریق گفتمان‌هایی خاص، هرچند پیچیده و قابل مناقشه، ساختار یافته‌اند و بر ساختن ادعاهای مربوط به قدرت/دانش، حقیقت در دل تقاطع و فصل مشترک قدرت - دانش نهفته است (رز ۱۳۹۸، ۲۶۰). در واقع، هر قدر متنی را تعبیر و تفسیر کنیم به عمق آن نمی‌رسیم، بلکه درمی‌یابیم که همه تفسیرها از سرچشمه‌های قدرت نشئت گرفته‌اند و چیزی جز ساخته نظام سلطه نیستند (فوکو ۱۳۷۸، ۳۷) که همگی در یک ارتباط درونی با یکدیگر متصل‌اند که توسط دانش‌ها هدایت می‌شوند.

دیدگاه فوکو درباره رابطه دانش و قدرت تاژگی چندانی ندارد و بیان می‌کند: دانش و قدرت با یکدیگر مرتبط‌اند؛ در اصطلاح دانش به‌جای آنکه حقیقت را نشان دهد، رابطه قدرت بین سوژه (فاعل شناسنده) و ابژه (آنچه سوژه می‌داند یا مطالعه می‌کند) را بازتاب می‌کند (برتس ۱۳۹۷، ۱۸۰). از این‌رو در این ارتباط چندسویه، قدرت توسط دانش، بر کسانی اعمال می‌شود که در موضع انتخاب قرار دارند و هدفش نفوذ بر گزینش‌های ایشان است (هیندس ۱۳۹۹، ۱۱۳). یعنی علوم و دانش‌های مختلف در هر حیطه فکری و عملی زمینه‌های انتخاب افراد را مورد خوانش و تغییر و تحول قرار می‌دهند؛ چنان‌که منابع مختلف فرهنگی اشاره به بخشی از عناصر و مؤلفه‌های محیطی روانی یک جامعه دارند که سازنده یا تأثیرگذار بر فرهنگ آن جامعه هستند (سلیم ۱۳۹۰، ۱۴۴). همان‌گونه که فوکو برخلاف روش‌های سنتی، در پی یافتن شکاف‌ها و گسست‌ها در فراگرد تاریخی است (ضیمران ۱۳۹۹، ۳۶). زمینه‌های خاصی که بر اساس آن ادعای حقیقت می‌شود، به‌صورت

تاریخی تغییر می‌کند و چیزی را تشکیل می‌دهد که فوکو آن را رژیم حقیقت می‌نامد (رز ۱۳۹۸، ۲۶۱). پس چنین می‌توان ادعان داشت که قدرت، تولید دانش می‌کند و به‌طور مستقیم به یکدیگر متصل‌اند. در حقیقت هیچ دانشی نیست که فاقد پیش‌فرض‌های قدرت نباشد و هیچ قدرتی نیست که در حوزه دانش روابط پایداری نداشته باشد. درهم‌آمیزی گفتمان‌های دانش و قدرت در بستر جامعه‌ای مانند دوره قاجار گزاره‌هایی را به وجود آورده که بر ساختارهای اجتماعی، فنون و هنرها مؤثر بوده و اساساً هنرهای مختلفی از جمله هنر تولید منسوجات شاهی بر تغییراتی است که در تاریخ دوره قاجار متأثر از گفتمان قدرت حاکم بر جامعه دستخوش تغییر و تحول بوده است. از این رو اهمیت شناخت روابط قدرت و دانش تولید منسوجات در دوره قاجار یکی از عواملی است که در شدت گرفتن نقش گفتمان حاکم بر تولید منسوجات نیاز به شناخت و بررسی بیشتری خواهد داشت.

۳. صنعت پارچه‌بافی دوره قاجار

ایران همواره در دوره‌های مختلف، در تهیه محصولات متنوع بافت‌شده، غنی و سرشار بوده است (اسمیت ۱۳۹۹، ۵۱). در مورد دوره قاجار، اطلاعاتی در زمینه تأثیرات سیاسی، اقتصادی، دانش و روند تولید منسوجات موجود است. برای مثال گزارش‌های مکتوب، سفرنامه‌ها و ثبت وقایع با ورود دوربین عکاسی در ایران است. صنایع مختلفی در این دوره فعالیت داشتند، از جمله: بافندگی، چرم‌سازی و تولید انواع منسوجات شامل بافت قالی و قالیچه، منسوج کرباس^۱ و متقال^۲ و شال^۳ و برک^۴، زری‌بافی و ترمه‌بافی و مخمل‌بافی، عبابافی^۵ و موتابی^۶ (شعربافی) (شمیم ۱۳۹۹، ۲۷۰). همچنین انواع مختلف پارچه‌های ابریشمی و پنبه‌ای، تولید پارچه‌های از جنس نخ‌های زر و سیم تزیین‌شده رواج داشته است (طالب‌پور ۱۳۹۶، ۲۱۵). در این دوره تقریباً در همه خانه‌ها ابریشم، مانند ابریشم خام، ابریشم درجه اول و ابریشم ترکیب‌شده کرک و ابریشم درجه سوم را که لاس می‌نامیدند تولید می‌شد (مونسی سرخه ۱۳۹۶، ۳۶). بسیاری از این ابریشم‌ها بارنگ‌های طبیعی رنگرزی می‌شدند و بنا بر سلیقه و به فراخور بازار و نیازهای متداول، توسط رنگرزان خانگی آماده می‌شد که هر یک بنا بر سفارش بافنده مبنی بر قدرت و توانایی مالی افراد مورد استفاده قرار می‌گرفت.

در دوره قاجار، صنعت نساجی و تولید ترمه در مشهد رونقی داشت. نساجان پارچه‌های مطلوبی با دست می‌بافتند که بیشتر به نواحی ماوراءالبحر خزر صادر می‌شد (دالمانی ۱۳۴۷، ۶۳۴). اهمیت دستیابی به پارچه‌های زربفت آن قدر برای دربار مهم بود که برای زنان درباری لباس و جواهرات یک دارای به حساب می‌آمد. لباس، پارچه و جواهرات ثروت خانواده محسوب می‌شد. هر خانه انباری داشت که صندوقخانه‌ها در آن نگهداری می‌شد. برای خانه‌های اشراف، گنجه کافی نبود چرا که شال‌ها، پارچه‌های دستباف، منگوله‌هایی که از نخ طلا یا نقره ساخته شده بود و نیز مروارید ثروت یک خانواده به حساب می‌آمد (شهشهانی ۱۳۹۶، ۲۷). نوع دیگر از منسوجات که در این دوره رواج داشت، پارچه‌های قلمکار بوده است. در دوره صفویه و قاجار قلمکارسازی در ایران به وسیله قالب‌های چوبی که آماده‌سازی آن‌ها نیز فن و مهارت خاصی می‌طلبد، رایج بوده است (وردن و بیکر ۱۳۹۷، ۲۰۲). پارچه‌های قلمکار به‌عنوان پوشش (روکش) یا آویزهای تزیینی، بسیار مورد نیاز بود و از آن‌ها برای کت یا نیم‌تنه‌های کوتاه زنانه و آستردوزی جامه‌های حریر زربفت استفاده می‌کردند (اسکرس ۱۳۹۹، ۱۰۲). گل‌دوزی از قرن نوزدهم، زینت‌بخش البسه زنان، مردان و کودکان بود. پرده‌ها، کف‌پوش‌ها، زین اسب‌ها و روبندهای زنان، همه و همه در اثر هنر گلدوزان به اوج زیبایی رسید. زنان زردشتی ایران، بیشترین مصرف‌کنندگان پارچه‌های گل‌دوزی‌شده سبک قاجاری بودند (پورپیرار ۱۳۸۲، ۷۵). همچنین در شهر رشت سوزن‌دوزی و گل‌دوزی چشمگیری بر روی تکه پارچه‌های مختلف انجام می‌شد و در شیراز و اصفهان نیز جواهردوزی روی مخمل طرفداران زیادی داشت. برخی شیوه‌های دیگر نظیر قلاب‌دوزی هم به دلیل قیمت ارزان آن‌ها در قیاس با پارچه‌های گران‌قیمت تولید می‌شد (عطارزاده و هوشیار ۱۳۹۶، ۱۳۹) که بیشتر مورد مصرف مردم عادی بود تا اعیان و اشراف.

در این دوره، غرب بیشتر منبع الهام برای تغییر، مدل‌برداری و دنباله‌روی به شمار می‌آمد. جدای از دو بُعد نفوذ سیاسی و اقتصادی غرب در ایران، بُعد سومی هم بود که می‌توان آن را نفوذ اجتماعی فرهنگ‌های بیگانه در ایران نامید (مبینی و اسدی ۱۳۹۶، ۱۵۳). در حقیقت دیدار و رویارویی ایرانیان با فرنگی‌ها در دربار مدام میل به آداب و تشریفات پرزرق‌وبرقی پذیرایی را افزایش می‌داد (اسکرس ۱۳۹۹، ۵۶). این میل به تجمل‌گرایی و قدرت‌طلبی در ساختارهای ظاهری هر بخش از حکومت از جمله پوشاک و منسوجات مصرفی هم هویدا بود. این تغییرات علل بروز تحولات بسیاری در صنعت نساجی این دوره شد. مهم‌ترین دلایلی که منجر به تغییر و تحولات چشمگیری در صنایع و

به‌خصوص پارچه‌بافی و نساجی ایران در دوره قاجار شد می‌توان آغاز انقلاب صنعتی در غرب، حمایت نکردن دربار از محصولات داخلی و همچنین حضور متخصصان غربی (طالب‌پور ۱۳۹۶، ۱۷۷) دانست که گزاره‌های تولید، عرضه و فروش منسوجات این دوره را دستخوش تغییر و تحول قرار می‌داد. این اطلاعات به‌گونه‌ای از اهمیت پارچه‌ها و منسوجات و عملکرد آن‌ها در منصوبات حکومتی در دوره قاجار را توضیح می‌دهد (عطارزاده و هوشیار ۱۳۹۶، ۱۴۶).

۴. گفتمان قدرت و منسوجات

تحولات سیاسی، به تغییرات اطلس جغرافیایی جهان محدود نمی‌شود و دگرگونی‌های عمیق اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی را هم در پی دارد (پناهی سمنانی ۱۳۷۷، ۱۸). بدین ترتیب است که بسیاری از تحولات سیاسی در کشورها تنها با لشکرکشی‌ها و جنگ‌ها و گسترش پهنه جغرافیایی صورت نمی‌گیرد بلکه گاهی با تدابیر سیاسی سبب تغییراتی ژرف در تمامی جوانب فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سبک‌ها و حتی فنون هنری می‌شود. در دوره سلطنت قاجار و نتایج عهدنامه‌های مختلف با دولت‌های خارجی و اروپایی مانند عهدنامه فین‌کن‌اشتانین^۷ با فرانسه، عهدنامه ترکمانچای^۸ و همچنین عهدنامه گلستان^۹ با روسیه تغییراتی ژرف در عصر قاجار پدید آورد. در این دوره «دول دیگری که با ایران روابط سیاسی خود را بسط می‌دادند، به اخذ امتیازاتی از ایران بسنده نمی‌کردند، در نتیجه نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانگان در ایران به حد کمال می‌رسد و استقلال ایران و حیات اقتصادی ملت ایران بیش از هر زمان متزلزل می‌شود» (شمیم ۱۳۹۹، ۱۱۷). به‌نحوی که مستوفی در کتاب تاریخ اجتماعی و دارایی دوره قاجاریه در ارتباط با تأثیرات مبادلات ایران و روسیه چنین بیان می‌کند: «نظر اجمالی به این تعرفه، جانب‌داری جدیدی را در ترقی تجارت روسیه بر ضرر سایر دول، حتی جلوگیری صنایع داخلی، کاملاً ثابت می‌نماید، از کار افتادن کارخانه‌های قندسازی و بلورسازی و ریسمان‌ریسی تهران، و معدوم شدن شعربافی‌ها و نساجی‌های کاشان و اصفهان و یزد و کرمان و خراسان و بوشهر، از اثر همین تعرفه گمرکی بود که با قند و کبریت و شیشه‌آلات و ریسمان و پارچه‌های ابریشمی و پشمی و نخی روسیه، که عمداً ارزان‌تر، به این مملکت وارد می‌شد نتوانستند رقابت کنند، بلکه مقاومت نمایند و به تعطیل و فنا محکوم شدند» (مستوفی ۱۳۴۳، ۸۲).

ایران در بخش اعظم دوره قاجار، به‌دلیل حجم عظیم واردات کالا از اروپای غربی با کسری موازنه تجاری مواجه بود. انگلستان و فرانسه مایل به خرید کالاهای ساخته‌شده ایرانی نبودند، بنابراین پارچه‌های ایران به روسیه و ترکیه و آسیای مرکزی صادر می‌شد. عمده‌ترین منبع درآمد کشور از تجارت و حمل‌ونقل منسوجات و شکر حاصل می‌شد (وردن و بیکر ۱۳۹۶، ۳۵). سیاست و دربار به‌عنوان نهاد قدرت در هر جامعه‌ای، تعیین‌کننده خطمشی افراد در بسیاری از زمینه‌ها و امورات مختلف از جمله صنایع هستند و میزان بها دادن به هنرها و حرفه‌ها می‌تواند سبب تحکیم قدرت سیاسی می‌شود (مونس‌سرخه ۱۳۹۶، ۲۰۷) و این عاملی است که مورد توجه بسیاری از حکام و پادشاهان قاجار قرار گرفته است؛ از این‌رو در زمان فتحعلی‌شاه به‌دلیل تمرکز و تأکید او بر حرفه‌های مختلف، شرایط برای تجدید حیات هنرهای درباری فراهم شد (پاکباز ۱۳۹۲، ۱۵۰). در این دوره هنرهای مختلفی رونق گرفتند و مهارت در تهیه منسوجات رواج داشت زیرا پارچه‌ها و دستیاف‌ها به مهم‌ترین وسایل و اسباب منازل و همچنین مهم‌ترین اقلام برای پوشش زنان و مردان به کار می‌رفت (اسکرس ۱۳۹۹، ۱۰۱)؛ به‌نحوی که با عملکردها و نظارت‌های دربار و نقش قدرت‌های حاکم بر جامعه تأثیرات آن بر زوایای مختلف این هنر نمودار بود، از طراحی و تولید گرفته تا فروش و نگهداری این نوع از هنرهای کاربردی. در این دوره، لباس، پارچه و جواهرات ثروت محسوب می‌شد، هدیه دادن پارچه چنان پراهمیت بود که در دربار اتاقی به نام صندوقخانه وجود داشت و در آن شال‌ها، خزها، طلاها، یا فقط پارچه‌های ساده وجود داشت. صندوقدار حساب دقیق کالاهای را می‌دانست و از آن‌ها نگهداری می‌کرد تا زمان درخواست شاه و درباریان یا به دستور وی برای هدیه به اشخاص بفرستند (شهشهانی ۱۳۹۶، ۳۷). صاحب‌منصبان عالی‌مقام خارجی که به حضور شاه می‌رسیدند می‌بایست لباس خود را عوض کرده و کلاه با شالی دور آن بر سر می‌گذاشتند. پارچه‌های ابریشمی دوخته در زیر قبا و روی پیراهن یا کلاه همگی بستگی به مقام و منصب مصرف‌کننده آن داشت (غیبی ۱۳۸۸، ۵۱۶). این تدابیر از شخص شاه آغاز می‌شد و تا سایر افراد به فراخور ارتباطشان با دربار ادامه داشت.

در دوره قاجار، ایجاد تغییرات اساسی در طبقه‌بندی‌های اجتماعی و ظهور جنبش‌های روشنفکری در بین اقشار مختلف جامعه و خواستار دگردیدی، از بالاترین مقامات حکومتی تا پایین‌ترین افراد جامعه را در بر می‌گرفت؛ به‌نحوی که به شیوه‌ای مختلف در اصل به صورت‌بندی‌هایی در جهت حفظ قدرت یا عینیت بخشیدن بر تصورات قدرت حاکم بر جامعه سوق می‌داد، از حکمرانان وقت گرفته تا قشر

آموزش دیده، تولیدکننده و حتی مصرف‌کننده همگی در جهت رسیدن به خواسته‌هایی بود که در رأس هرم قدرت به فراخور موقعیت زمانی در جهت توصیف یک جامعه قدرتمند و مدرن بود. در این دوره ضرورت به واردات منسوجات برای رفع نیازهای حکومتی اهمیت یافت. مهم‌ترین بخش اقتصاد شهری ایران یعنی بازار، قسمت مربوط به پارچه بود؛ این بخش بسیاری غنی و زنده بود چون یکی از مهم‌ترین نیازهای اولیه را برطرف می‌کرد (همان، ۱۴). با اهمیت منسوجات، واردات ایران که مستقیماً زیر نظر حکومت بود آغاز شد که شامل پارچه‌های پنبه‌ای و پشمی خالص و منسوجات پشم و پنبه و بافته‌های ابریشم و پوست خام برای تهیه چرم، نخ، پنبه و کتان (شمیم ۱۳۹۹، ۲۷۳). در این زمان برخلاف تغییرات متداول در سبک و مد، رویکرد اساسی نسبت اجزای دربردارنده پوشاک، بر اساس سنن اجتماعی و فرایض مذهبی تنظیم می‌شد (دیبا ۱۳۹۱، ۱۹۳). بنابراین هنرهای مختلفی رونق گرفتند و مهارت در تهیه منسوجات به شکل‌های مختلف، رواج یافت و پارچه‌ها و دستباف‌ها به مهم‌ترین وسایل و اسباب منازل و همچنین مهم‌ترین اقلام جهت پوشش زنان و مردان به کار می‌رفت (اسکرس ۱۳۹۹، ۱۰۱)؛ به‌نحوی که با عملکردها و نظارت‌های دربار و قدرت‌های حاکم بر جامعه تأثیرات آن بر زوایای مختلف این هنر نمودار بود. از طراحی و تولید گرفته تا فروش و نگهداری این نوع از هنرهای کاربردی.

در دوره قاجار نشان دادن قدرت با نوع پوشش یا بهره‌گیری از آن در ملزومات کاربردی چنان گسترده شده بود که این مسئله از شخص شاه آغاز می‌شد و تا سایر مردان حکومتی که دستی بر قدرت داشتند و حتی زنان صاحب‌منصبان و حرم‌سراهای شاهی و فردی و گاهی مردم عادی متمول را در برمی‌گرفت. تصویر ۱ اعتضادالسلطنه، یکی از نوادگان قاجار را نشان می‌دهد با لباس زری‌دوزی شده، همراه با نقش بته‌جقه و یقه‌ای پوشیده با خز طبیعی. تصویر ۲ معتمدالدوله یکی از رجال دوره قاجار است که با پوششی از لباس‌های زری‌بافت و خزدار به‌خوبی قدرت و توانایی مالی یا ارتباط آن‌ها با قشر بالادست جامعه را بیان می‌کند. تصویر ۳ مادر ناصرالدین‌شاه با لباسی از زری‌دوزی و روسری ابریشمی است و تصویر ۴ همسر معیرالممالک را نشان می‌دهد که با لباس مخمل زری‌دوزی شده و روسری ابریشمی و سایر تزیینات کاربردی، قدرت و توانایی را با در انحصار داشتن منسوجاتی نفیس نشان می‌دهد؛ چراکه داشتن پارچه‌های نفیسی چون زری، ابریشم و مخمل در انحصار گروهی خاص بود و با اعم پارچه‌های مورد مصرف اکثریت جامعه تفاوت چشمگیری داشت.



تصویر ۴: همسر معیرالممالک (موسوی، سربایان، و سمسار ۱۳۹۰، ۱۵۳)



تصویر ۳: مهد علیا (آلبوم خانه کاخ گلستان)



تصویر ۲: معتمدالدوله (آلبوم خانه کاخ گلستان)



تصویر ۱: اعتضادالسلطنه (آلبوم خانه کاخ گلستان)

جنس پارچه‌های موجود در این عصر بدین ترتیب بود که پنبه محصول داخل که تا پیش از این در بافت منسوجی زمخت و محکم به نام «کرباس» استفاده می‌شد (مانند پارچه‌های خشن کتانی) و پوشاک طبقه متوسط و پوشش چادر را تأمین می‌کرد، در این زمان مورد مصرف آحاد جامعه بود. در قم، سمنان و آباد نزدیک شیراز، کرباس بافی رایج بود. همچنین پارچه مرغوب‌تری به نام قدک در یزد، اصفهان، کاشان و به مقدار کمتر در بوشهر بافته می‌شد (فریزر ۱۳۶۴، ۱۹۰). در تصویر ۵ و ۶ عکس‌های موجود از آلبوم علی‌خان والی حاکم مراغه است که از زندگی روزمره مردم عکاسی شده است. این تصاویر شهروندانی را نشان می‌دهد که لباس‌هایی از جنس پنبه، کتان، کرباس و بسیاری از منسوجات ارزان‌قیمت و با نازل‌ترین کیفیت به تن دارند. ترتیب و توالی بهره‌گیری از منسوجات مانند طبقه‌بندی اجتماعی در تصاویر به‌جامانده از عصر قاجار به‌خوبی قابل رؤیت است.



تصویر ۶: تصویر مردم عادی از دوره قاجار؛ استفاده از کرباس و چیت در لباس‌ها
(url 2)



تصویر ۵: تصویر مردم عادی از دوره قاجار؛ استفاده از کرباس و چیت در لباس‌ها
(url 1)

۵. گفتمان قدرت و دانش تولید منسوجات

در بررسی نقش قدرت در شکل‌گیری و روند دانش تولید منسوجات در ایران دوره قاجار اطلاعات بسیاری در دسترس است و تأثیر این گفتمان بر تمامی ساختارهای تولید منسوجات از شیوه‌های آموزش تا تهیه و اجرا دیده می‌شود. برای مثال، در مسیر پیشرفت علوم مختلف در کشور نیاز به اعزام دانشجو جهت فراگیری علوم جدید احساس می‌شد که آن‌هم به‌خودی‌خود تحت لوای قدرت حاکم، موافقان و مخالفانی داشت که تحلیل و بررسی این بحث از حوصله آن خارج است. اما در خصوص اعزام محصل به خارج موضوعاتی مطرح شد؛ عده‌ای بر این باور بودند که کودکان آینده‌سازان ایران هستند، آن‌ها به سه گروه فرزندان اشراف، متوسطین و فقرا تقسیم می‌شوند و نجات کشور مرهون اقدامات گروه اخیر است (سرمد ۱۳۷۲، ۱۱۷). اشراف برای آموزش فرستاده می‌شدند و پس از بازگشت فنون و روش‌های نوین توسط قشر متوسط و فقرا اجرایی می‌شد. برای مثال آقاخان پسر رضایک خوئی جهت آموزش فنون ابریشم‌بافی و روش‌های نوین ابریشم‌ریسی به فرانسه فرستاده شد که پس از بازگشت در تبریز مشغول به کار گشت (همان، ۲۲۴) و روش‌های نوینی از تولید منسوجات ابریشمی را در تبریز ایجاد کرد. در دوره قاجار در زمان صدارت میرزاتقی خان امیرکبیر، مدرسه‌ای برای طراحی و هنر نساجی در تهران تأسیس کرد و برای هنرآموزان ممتازی که سبک کارشان به سبک هندی نزدیک‌تر می‌شد، جوایزی در نظر گرفت. بدین ترتیب در کمترین زمان هنر چاپ پارچه بسیار رونق گرفت (پوریبرار ۱۳۸۲، ۷۴) و در نتیجه منسوجات قلمکار با رشد جدیدی در تولید و عرضه این شکل از پارچه‌ها روبه‌رو شد.

۱.۵. نقش گفتمان قدرت در روند پیش تولید منسوجات


در این دوره، پیامدهای ژرفی در حیات اقتصادی و اجتماعی کشور وجود داشت. از این‌رو برجسته‌ترین جنبه بازرگانی خارجی ایران در سده نوزدهم افزایش شدید واردات منسوجات به‌ویژه پارچه‌های نخی (پنبه‌ای) بود که در دهه ۱۸۵۰ حدود دوسوم کل واردات ایران را تشکیل می‌داد (آوری ۱۳۹۳، ۴۹۹). واردات ایران که مستقیماً زیر نظر حکومت قرار داشت عبارت بود از: منسوجات پنبه‌ای و پارچه‌ای، پشمی خالص و منسوجات پشم و پنبه و بافته‌های ابریشم و پوست خام برای تهیه چرم، نخ، پنبه و کتان (شمیم ۱۳۹۹، ۲۷۳). از یک‌سو این شکل از واردات منسوجات، تغییرات عمده‌ای در روند تولید پارچه‌ها به وجود آورد و راه را برای پارچه‌های مختلفی از جمله پارچه‌های چایی با مواد و مصالح غیربومی هموار کرد و از سوی دیگر با افزایش مواد و مصالح، منسوجات نفیس دیگری تولید شد. برای مثال در دوره حکومت فتحعلی‌شاه، برای طراحان و چاپگران پارچه، جوایزی در نظر گرفته می‌شد. بدین ترتیب در مدت کوتاهی کیفیت چاپ داخل کشور با کارهای وارداتی برابری می‌کرد (مونسی‌سرخه ۱۳۹۶، ۳۴). با تغییر و تحولاتی که شاهان قاجار در روند پیشرفت صنعت پارچه‌بافی داشتند، راه را برای تولید برخی از این منسوجات از جمله پارچه‌های قلمکار هموارتر نمودند و روند تولید و بافت پارچه‌های مخمل و پنبه‌ای را بهبود بخشیدند و پارچه زربفت، مخمل و شال‌های باکیفیت خوبی بافته می‌شد. در این دوره با رواج و رونق انواع منسوجات، برخی دارای اهمیت بیشتری بودند به‌طوری که شال حتی در معاملات مانند پول نقد در جریان بود (عطارزاده و هوشیار ۱۳۹۶، ۱۴۷)، به‌گونه‌ای که بسیاری از این تدابیر سیاسی و اقتصادی، نقش گزاره‌های قدرت را در تولید و عرضه منسوجات دوره قاجار پررنگ‌تر می‌کرد.

۲.۵. گفتمان قدرت و طرح و رنگ منسوجات

ثبات و مفهوم مطلوب نقش و نگار یکی از موارد مهمی است که در طراحی پارچه باید به آن پرداخت. گاهی تزئینات پیچیده، مشخصه‌هایی را برای محصول به وجود می‌آورد که از عهده تزئینات ساده برنمی‌آید (تریلینگ ۱۳۹۴، ۲۰۷). در تحلیل و بررسی گفتمان قدرت بر منسوجات دوره قاجار و تأثیرات آن‌ها بر طرح و نقش پارچه‌ها می‌توان به نوع نقوش، رنگ و جنس آن‌ها اشاره کرد؛ نقوشی را که بر بستر پارچه‌های این دوره به کار رفته‌اند، می‌توان به نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی و هندسی طبقه‌بندی کرد. طراحان پارچه به کاربرد عناصر گیاهی و هندسی اهمیت بیشتری می‌دادند و در تزئین پارچه‌ها از آن‌ها استفاده می‌کردند. نقوشی مانند کلمه الله، القاب شاه (پورپیرار ۱۳۸۲، ۷۳)، تصاویری برگرفته از زندگی دربار مانند نقش شخص شاه یا تصاویری از روندهای زندگی درباری چون شکارگاه و شکار شیر، یا تفریحاتی چون چوگان (مونسی سرخه ۱۳۹۶، ۳۲) که همگی به نحوی نماد قدرت بودند نقش می‌شد. موضوعات مختلفی زینت‌بخش پارچه‌های این دوره بودند مانند نقوش جانوری. ایرانیان بسیاری از این جانوران مانند شیر، گاو، اسب و شاهین را دارای ارج ویژه‌ای می‌دانستند و آن‌ها را مظهر هیبت و شکوه تلقی می‌کردند (ضابطی‌جهرمی ۱۳۸۹، ۴۵)، به همین سبب نقوش حیوانی یا موضوعاتی مانند شکارگاه شاهی نقوش متداول از طراحی کارگاه‌ها و منسوجات درباری بوده‌اند. این در حالی است که بسیاری از منسوجات مردم عادی یا عاری از طرح و نقش بود یا در طراحی آن‌ها به فرم‌های گیاهی ساده بسنده می‌شد.

در تبیین کاربرد منسوجات چنین می‌توان بیان کرد که کارکرد پارچه در هنر آفرینی، هم به لحاظ انتخاب پارچه و هم به لحاظ ترکیب‌بندی و نوع نقوش به کار رفته در آن، هر دو باید هنرمندانه صورت گیرد (میبینی و اسدی ۱۳۹۶، ۵۱). انتخاب نوع پارچه برای عملکردی خاص موضوعی است که برای همگان مورد اهمیت بوده است، در دوره قاجار همه پارچه‌ها تولید می‌شدند تا مورد استفاده قرار گیرند، اما برخی از این منسوجات برای مصارف درباری بودند، مانند خیمه‌ها و چادرهای درباری که با مبالغ هنگفت و با طرح و رنگ‌های سلطنتی بافته می‌شدند (پلاک ۱۳۶۸، ۸۱). پارچه‌های زری به تناسب دقتی که در بافت یا طراحی و تولیدشان به کار گرفته شده بود، انباشته از نقوش گل‌بوته و با زمینه طلایی پارچه و نقش برگ خرمایی ریز بودند که حالت درخشندگی به آن می‌افزود (غیبی ۱۳۸۸، ۵۷۶). همچنین استفاده از پارچه‌های ابریشمی با نخ‌های زرین در منسوجات این دوره استفاده می‌شد (طالب‌پور ۱۳۹۶، ۲۱۶) که به درخشندگی و زیبایی بسیاری از فضاهای درباری می‌افزود. اما گرچه از دید بسیاری از پژوهشگران در دوره قاجار انحطاط هنرها و صنایع دیده می‌شود و با نفوذ سیاسی و اقتصادی دول بزرگ در ساختار حکومتی ایران به واسطه سفر اروپاییان به ایران از یک‌سو و تأسیس دارالفنون در کشور از سوی دیگر (رفیعی و عرب ۱۳۹۷، ۷۳) تغییرات چشمگیری به وجود آورد، بازهم تحولات شکل گرفته در تمامی جوانب هنر، فرهنگ و صنایع در گرو بسیاری از تصمیمات قدرت‌های حاکم بر جامعه بوده است. به همین سبب در روند تهیه و تولیدات صنایع مختلف، رویکرد حاکمان وقت یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تعبیر یا شکل‌گیری بود. در این پژوهش با واکاوی گفتمان قدرت در پارچه‌های دوره قاجار به مطالعه و بررسی تأثیرات قدرت در نقش، رنگ، جنس و کاربرد منسوجات مختلف در پارچه‌های این دوره پرداخته شده است. در این پژوهش با بهره‌گیری از ابزار مشاهده و روش نمونه‌گیری هدفمند ۱۰ نمونه پارچه‌های موجود در موزه‌ها که بیشترین تأثیرات دریافتی از قدرت را در ساختار بصری داشته‌اند، در سه گروه پارچه‌های بافته‌شده، پارچه‌های دوخته‌دوزی شده و پارچه‌های چاپ‌شده به شیوه تحلیل گفتمان مورد بررسی قرار گرفت تا تأثیرات قدرت بر پارچه‌های دوره قاجار بیان شود.

جدول ۱: تحلیل نمونه پارچه‌های دوره قاجار

| ردیف | گروه | نوع | طرح پارچه | نقش | رنگ | جنس | کاربرد |
|-------------|---------------------|------|--|----------------------------------|-------------|-------------|-----------------------------------|
| ۱ | پارچه‌های بافته‌شده | مخمل |  | تصویر شخص شاه نقش قاب آینه‌ای | رنگ ارغوانی | مخمل پرزدار | احتمالاً بقچه یا تزئینات داخلی |
| مأخذ: URL 3 | | | | | | | |

| | | | | | |
|-------------------------------------|--|---|---|---|---|
| بقچه یا رومیزی | مخمل پرزدار | رنگ ارغوانی | تصویر شاه تصویر شیر و خورشید نقوش متنی |  | ۲ |
| مأخذ: URL 4 | | | | | |
| بالا پوش | مخمل همراه با سکه‌دوزی و قیطان‌دوزی | سبز زیتونی و طلایی | مخمل حاشیه‌دار و دارای سکه‌هایی منقوش به سر شاه |  | |
| مأخذ: موزه پوشاک سلطنتی کاخ سعدآباد | | | | | |
| لباس | ابریشم، زری (مفتول طلایی و تیره‌ای) | طلایی، تیره‌ای، زرشکی | - |  | ۴ |
| مأخذ: غیبی ۱۳۸۸، ۵۸۰ | | | | | |
| والان طاقچه یا سردر | ابریشم و زری | طلایی و قرمز | نقوش گیاهی و هندسی |  | |
| مأخذ: URL 5 | | | | | |
| چادر سلطنتی | نخ گلابتون زری‌دوزی | قرمز، فیروزه‌ای، زرد طلایی، سبز زیتونی | نقوش گیاهی تصویر متنی از نام پادشاه |  | ۶ |
| مأخذ: URL 6 | | | | | |
| زین اسب | نخ گلابتون زری‌دوزی | قرمز، طلایی زرشکی، سبز زیتونی، مشکی | نقش شیر و خورشید، نقوش گیاهی، نقوش هندسی |  | |
| مأخذ: وردن و بیگر ۱۳۹۶، ۱۶۶ | | | | | |
| سرپرده سلطنتی | نخ گلابتون زری‌دوزی | قرمز، آبی درباری، طلایی، تیره‌ای، کرم، مشکی | تصویر شخص شاه نقش محرابی نقوش گیاهی |  | ۸ |
| مأخذ: موزه مردم‌شناسی کاخ گلستان | | | | | |

| | | | | | | | |
|----------------------------------|---|--|--|---|---|-------------------------------------|--|
| ۹ | پارچه‌های چاپ‌شده قلمکار |  | نقش خورشیدخانم نقوش گیاهی نقوش هندسی | طلایی، نقره‌ای، قرمز، مشکی، سرمه‌ای | نخ گلابتون ابریشم‌دوزی زری‌دوزی | احتمالاً سرپرده یا تزیینات داخلی | |
| مأخذ: URL 7 | | | | | | | |
| ۱۰ | |  | نقش سرو طاووس شیر و شمشیر شکار، گیاهی | قرمز، سبز، کرم، مشکی | پارچه پنبه‌ای احتمالاً رنگدانه طبیعی | سرپرده | |
| مأخذ: وردن و بیکر ۱۳۹۶، ۴۷ | | | | | | | |
| ۱۱ |  | نقش شکارگاه شاهی | انواع آبی، قرمز، قهوه‌ای، سبز | پارچه پنبه‌ای احتمالاً رنگدانه طبیعی | سرپرده | | |
| مأخذ: موزه مردم‌شناسی کاخ گلستان | | | | | | | |
| ۱۲ |  | نقش شکار شاهی | انواع آبی، قرمز قهوه‌ای، سبز | پارچه پنبه‌ای احتمالاً رنگدانه طبیعی | سرپرده | | |
| مأخذ: سیف ۱۳۹۷، ۲۰۲ | | | | | | | |

۶. تحلیل یافته‌های پژوهش

مطالعه و بررسی علمی منسوجات و دستیابی به آگاهی‌های دقیق درباره کارکرد آن در بین اقوام و گروه‌های گوناگون اجتماعی و روشن کردن چگونگی سیر تحول و دگرگونی آن در دوره‌های تاریخی گذشته و تعیین رابطه میان منسوجات و محیط جغرافیایی و فرهنگ و منزلت اجتماعی، تفاوت‌های دینی و اقلیتی و طبقات اقتصادی و کارکردهای مختلف آن از موضوع‌های بسیار مهم در پژوهش‌های تاریخی- اجتماعی و فرهنگی دانش نوین مردم‌شناسی است. شناخت هرچه بیشتر این روابط از دیدگاه پژوهشگری چون فوکو و بررسی این رویه‌های اجتماعی در هریک از گفتمان‌ها، بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه شناخت بسیاری از این عوامل تأثیرگذار را که بسیاری از آن‌ها از دید دیگران به دور مانده و منجر به تغییر و تحولات اجتماعی، فرهنگی یا هر سبقتی هنری شده، تحلیل گفتمان روشن می‌سازد. از این رو نگارنده با تکیه بر روش تبارشناسی به تحلیل گفتمان قدرت و نقش آن بر زمینه‌های مختلف تولید منسوجات در عصر قاجار می‌پردازد و بر اساس آن ادعای حقیقتی را بیان می‌کند و عواملی را شرح می‌دهد که فوکو آن را رژیم حقیقت می‌نامد. در این پژوهش با نگاهی به واکاوی گفتمان قدرت در پارچه‌های دوره قاجار از منظر فوکو، به مطالعه و بررسی تأثیرات قدرت در ساختار دانش تولید و روند عرضه منسوجات دوره قاجار پرداخته شده است. باید توضیح داد که در صورت‌بندی این گفتمان، دال‌هایی چون فرم‌های شکل‌گرفته بر بستر منسوجات و همچنین تدابیر رنگی لحاظ‌شده بر پارچه‌ها و نوع منسوج به‌عنوان گزاره‌های توصیف نقش قدرت بر منسوجات مورد خوانش قرار گرفته است. از منظر فوکو روابط قدرت غالباً ساختار بسیار متفاوتی دارند. کاربرد اصطلاح «سلطه» توسط فوکو به‌منظور معرفی «آنچه معمولاً قدرت می‌نامیم» توصیف می‌شود. به‌عبارت دیگر، سلطه اشاره به روابطی از قدرت دارد که در آن اشخاص تابع به‌دلیل محدود شدن آزادی عملشان توسط تأثیرات قدرت، فضای اندکی برای مانور دارند یا بسیار متأثر از این فضای به‌وجودآمده عمل می‌کنند. در چنین روابطی است که سلطه‌گران فرصت خوبی دارند که بتوانند اراده خویش را در این کنش مشارکت دهند.

ورود الهامات و القانات نو در هنرها در عصر قاجار، در نتیجه ورود فناوری‌های جدید و وجود ریشه‌های تصویری از هنری که همگی تحت نفوذ میراثی سرشار از سنت دیرینه و پرنقش‌ونگار و تصویری هنرها و صنایع ایرانی بودند، امری طبیعی به نظر می‌رسید. اما در این دوره تأثیرات ساختارهای قدرت در بسیاری از بخش‌ها و مراتب هنری چون دانش تولید منسوجات، مواد و مصالح مورد نیاز و... به‌وفور دیده می‌شود. این ساختار و کنش‌های مؤثر را که بسیاری تحت نفوذ ساختار قدرت حاکم بر جامعه بود، می‌توان در تمامی هنرهای مختلف از جمله طراحی پارچه مشاهده کرد. چنان‌که در تمامی بخش‌های یک منسوج می‌توان رد پایی از این نظام سراسر بین را در تک‌تک صورت‌بندی‌های این گفتمان مشاهده کرد. چراکه در مسیر تولید منسوجات، بنا بر عوامل مختلفی مانند ۱. قدرت حاکم بر جامعه، ۲. هدایت مسیر آموزش و دانش تولید منسوجات، ۳. تأثیرات اقتصادی در تهیه مواد و مصالح مورد نیاز در تولید پارچه‌ها ۴. نگاه سراسر بین طراح در بهره‌گیری از رنگ و طرح، جنس و بافت بر اساس نیازهای جامعه، ۵. تأثیرات این ساختار در عرضه و فروش منسوجات، ۶. تأثیرات این صورت‌بندی بر مصرف‌کنندگان، را می‌توان مشاهده نمود که هر یک به‌نحوی در تمامی ساختار پارچه‌های دوره قاجار مؤثرند. در پردازش این پژوهش چنین می‌توان بیان کرد که به‌دلیل اهمیت منسوجات و پارچه‌ها در رفع یکی از مهم‌ترین نیازهای اولیه بشر همواره مورد توجه بوده، و گاه از این نیاز در جهت رفع نیازهای درونی و اجتماعی دیگری بهره گرفته شده است. همان‌گونه که فوکو دانش و قدرت را دو امر لازم و ملزوم یکدیگر معرفی می‌کند. در دوره قاجار با توجه به روندهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به‌وجودآمده در مسیر هنرهای مختلف، دانش و هنر طراحی پارچه هم از این قاعده مستثنا نبود و با در نظر گرفتن مقوله‌هایی در ساختار آن‌ها به نمونه‌هایی از هنر درباری تبدیل می‌گشت. گرچه همه منسوجات ذکرشده در این پژوهش برای استفاده دربار نبوده است، تأثیرات بصری قدرت را می‌توان در بخش‌های مختلفی از یک منسوج دید. آنچه نیاز شناخت شیوه تولید منسوجات قاجار و تأثیر ساختارهای قدرت بر تولیدشان را متمایز می‌کند، بهره‌مندی از انواع منسوجات در طبقه‌های اجتماعی افراد از بالادستان گرفته تا فرودستان جامعه صرفاً نه در جهت نیاز، بلکه به‌عنوان دارایی و توانایی مالی، مؤلفه‌ای جهت شناخت طبقه اجتماعی و... بوده است. استفاده از پارچه‌های ارزان‌قیمت و کم‌ارزش و بدون نقش برای مردم عادی و بهره‌مندی از پارچه‌های بافته‌شده باارزشی چون انواع زری‌دوزی‌ها، ابریشم‌بافی‌ها و پارچه‌های رودوزی‌شده با نخ‌های گلابتون و زری و قیطان‌های طلایی و نقره‌ای و مرواربدهای باارزش، برای استفاده قشر متمول و بالادست جامعه بوده است.

استفاده از انواع تدابیر فرمی در طرح و رنگ این منسوجات را نظیر تصویر کردن افراد خصوصاً شخص شاه به‌صورت واقعی و قابل شناسایی، نقش کردن زندگی درباری و تصویر کردن فرم‌های اسلیمی و نقوش حیواناتی چون شیر و طاووس و... به‌وفور می‌توان دید. گرچه سبک فرمی این دوره را می‌توان در منسوجات دوره‌های قبل دید، تفاوت ملموس تصویر کردن پرترها و چهره‌های سیاسی و اشخاصی که در رأس قدرت هستند به‌صورت تک‌فرم یا همراه با سایر نقوش در برخی از منسوجات سفارشی دیده می‌شوند که ویژگی‌های شاخصی را برای منسوج به وجود می‌آورد.

در منسوج شماره ۱ در نمونه پارچه موجود، طرح منقوش شده با تصویر شاه دیده می‌شود؛ منقوش بودن پارچه با تصویر شخص شاه در کنار رنگ ارغوانی و بافت باکیفیت مخمل که در طراحی محصول استفاده شده، قدرت و توان تولید در پس تولید این منسوج را توصیف می‌کند. پارچه ذکرشده که برای تزیین کاخ یا به‌صورت بخشی از نیازهای دربار کاربرد داشته، گامی در جهت تأیید و تحکیم قدرت یا ادای فضل به شخص شاه بوده است. در منسوج ذکرشده استفاده از رنگ ارغوانی دیده می‌شود. ارغوانی رنگی شاهوار، معنوی، زیبا و دارای مفاهیم متعددی است (آیزمن ۱۳۹۱، ۵۱). این رنگ میان ظاهر و باطن ارتباط دوسویه‌ای را ایجاد می‌کند به‌گونه‌ای که هرچیزی اندیشه و طلب کند باید واقعیت داشته باشد (لوشر ۱۳۹۳، ۹۰). این منسوج ارغوانی را که از جنس مخمل است می‌توان جزوی از منسوجات درباری معرفی کرد؛ چنان‌که در بسیاری از ادوار تاریخی پارچه مخمل از نفیس‌ترین پارچه‌های دستبافت و متمایز از سایر منسوجات به شمار می‌آید (یاوری ۱۳۹۲، ۱۱). همچنین مخمل منسوجی است که فن و بافت پیچیده و مشکلی دارد و از آنجا که قرار دادن تار برای زمینه در کنار یک تار برای پرز مخمل نیاز به دستگاه مخصوصی دارد، معمولاً بافت و تولید آن انحصار کارگاه‌های خاص است (وردن و بیکر ۱۳۹۶، ۵۸) که سفارش و تولید و دسترسی آن را برای تمامی اشخاص محدود می‌کند.

در منسوج شماره ۲ پارچه مخمل موجود منقوش شده با تصویر شاه و شیر و خورشید با رنگ ارغوانی است، که از دیرباز این طرح و رنگ مورد توجه بسیاری از پادشاهان وقت بوده است. پروفیسور هرتسفلد معتقد است: نقش شیر برای ایرانیان اهمیت نجومی دارد و از آنجا که با

شیر جزو برج دوازده‌گانه است، این نقش با جشن نوروزی ایرانیان مطابق است (ضابطی جهرمی ۱۳۸۹، ۴۷). شیر در سرزمین‌های ایران نماد شهریاران و در اخترشناسی کهن برج شیر، خانه خورشید بوده است (طاهری ۱۳۹۶، ۱۳۲). استفاده از رنگ ارغوانی در این منسوج که رنگی محبوب در بین پادشاهان است، شکوهمند و متفکرانه و در عین حال پیچیده است (آیزمن ۱۳۹۱، ۵۱)، استفاده از این رنگ، هم فردی را که مورد استفاده قرار داده و هم دیگران را محصور می‌سازد (لوشر ۱۳۹۳، ۹۰) که مانند نمونه شماره ۱ در انحصار افرادی خاص بوده است که در قالب بقچه یا رومیزی کاربرد منحصر به فردی را برای نمایانگری محصول نهایی به وجود آورده است.

در منسوج شماره ۳ (نک: جدول ۱) از مخمل با کیفیت و از سکه‌های شاهی در کنار یکدیگر برای تزیین بیشتر لباس استفاده شده است. بدین گونه اشراف با لباس‌های گران‌قیمت و متنوع خود وضع مسلط مادی و قدرت خود را به دیگران معرفی می‌کردند (مبینی و اسدی ۱۳۹۶، ۶۳). بهره‌گیری از تمامی عناصر جنس، رنگ و تزیینات و کاربرد در این نمونه، همگی در خدمت قشر خاصی است که سعی بر توصیف خود به‌عنوان فرد ثروتمند و قدرتمند دارد.

در منسوج شماره ۴ (نک: جدول ۱) استفاده از زری‌دوزی و ابریشم در لباس مورد نظر به‌خوبی بیانگر موقعیت مالی فرد سفارش‌دهنده است؛ چراکه بهره‌گیری از لباس تماماً زری برای هر فردی از جامعه میسر نیست و قطعاً سفارش این‌گونه از لباس و کلاه نشان از قدرت و تمکن مالی فرد دارد. درصد بسیار زیادی از این منسوج را نخ‌های زری تشکیل می‌دهد که به‌خودی‌خود بیانگر ارزش و بهای بسیار زیاد آن است. علاوه بر این به نظر می‌رسد بعد از دوخت لباس، دست‌دوزی‌های ویژه‌ای با فن قیطان‌دوزی با نخ‌های قیطان طلایی و نقره‌ای برای تزیین بیشتر منسوج به آن اضافه شده است که بهای کالای تمام‌شده را دوچندان کرده و تفاخر به پوشیدن این‌گونه از پوشاک در بین قشر دربار و قدرتمند جامعه، عملکرد آن را جهت تحکیم قدرت فرد به‌خوبی بیان می‌کند.

در منسوج شماره ۵ (نک: جدول ۱) استفاده از زری‌بافی، ابریشم طبیعی برای زمینه و نخ ابریشمی یا روکش طلا یا نقره برای بافت نقوش دیده می‌شود (یاوری ۱۳۹۲، ۱۰) که ارزش و بهای کالای مورد نظر را دوچندان می‌کند. این پارچه عموماً مورد توجه شاهان و دربار و قشر متمول بوده است (روح‌فر ۱۳۹۷، ۴۱). ساختار فرمی منسوجات گرچه فقط دارای نقوش هندسی هستند، تدابیر رنگ و جنس در القای قدرت به‌خوبی دیده می‌شود. استفاده از تدابیری مانند رودوزی‌هایی از قیطان‌های طلایی و آستردوزی پارچه، ارزش و بهای کالای تمام‌شده را دوچندان کرده و دسترسی قشر پایین جامعه را به مصرف این نوع از منسوجات به‌مراتب کمتر نموده است.

در این پژوهش پارچه‌های شماره ۶-۹ از مجموعه منسوجات دوخته‌شده با روش‌ها و تکنیک‌های دوخته‌دوزی هستند. منسوج شماره ۶ (نک: جدول ۱) از نوع منسوج به‌کاررفته در خیمه شاهنشاهی است. خیمه، چادر، خرگاه و سراپرده یا پرده‌سرا نیز به‌معنی منزلگاهی از پارچه کلفتی مانند کرباس است که قابل حمل و نقل باشد (دهخدا ۱۳۷۷، ۱۰۲۱۷). این خیمه (نک: جدول ۱، تصویر ۶) مربوط به دوره قاجار است که نمادهای قدرت سلطنتی و سعادت در دربارهای اسلامی بودند. خیمه‌ای که خوب بر زمین استوار باشد، نشان‌دهنده تعادل میان جریان‌های کیهانی و نیروهای زمینی را نشان می‌دهد (شوالیه و گربران ۱۳۸۸، ۱۴۵). آن‌ها اغلب به‌عنوان هدایای مجلل ارائه می‌شدند، همچنین برای مراسم‌های شاهنشاهی و لشکرکشی‌ها و هنگام مسافرت آماده می‌شدند. در این منسوج، دوختن نام خود پادشاه بر نقطه مرکزی هر قطعه و در میان انبوهی از نقوش گیاهی که در باور ایرانیان، گیاهان با زمین و دوره زندگی ارتباط دارند و بسیاری از آن‌ها به خدایانی منتسب هستند (بروس میتفورد ۱۳۹۴، ۸۰) دیده می‌شود. در سفرنامه‌ها و متون تاریخی به اهمیت پارچه‌های ایرانی گلدوزی‌شده در اعصار مختلف برای استفاده امرا و پادشاهان (حسن ۱۳۷۷، ۲۱۰) اشاره شده است.

در منسوج شماره ۷ پوشش زین اسب، دارای نقوش گیاهی و مزین به نقش شیر و خورشید، نماد پادشاهی قاجار بوده است. این نقش یکی از مهم‌ترین نشانه‌های قدرت و کهن‌الگویی در میان ایرانیان و در کنار پادشاهان به‌صورت یک نماد سلطنتی شناخته شده است و شجاعت و قدرت را توصیف می‌کند (طاهری ۱۳۹۶، ۱۳۱). این منسوج همراه با رنگ‌های قرمز شاهوار در زمینه‌ای همراه با رنگ بژ، زرشکی و طلایی دیده می‌شود. قرمز رنگی مهیج و محرک و قیمتی است که منتهای درجه و جزء قوی‌ترین ترکیبات رنگی است. سمبل‌ها علائمی هستند که احساسات فوق‌العاده را برمی‌انگیزند (ساتن و ام، ولان ۱۳۸۹، ۵۰). پارچه تولیدشده زین اسبی که مشخصاً به سفارش دربار با تمامی جزئیات و جوانب جهت استفاده بر روی اسب شاهی در نظر گرفته شده است، گفتمان قدرت در پس تولید این منسوج را به‌خوبی نمایان می‌کند.

در پارچه شماره ۸ (نک: جدول ۱)، نمونه پارچه موجود منقوش شده با تصویر شاه در میان نقش محرابی و حاشیه‌هایی پوشیده شده از انواع گل‌ها دیده می‌شود. رنگ‌های قرمز شاهوار (آیزمن ۱۳۹۱، ۶۷) در زمینه و رنگ‌های آبی فیروزه‌ای که مانند جواهر و قدرت (همان: ۶۷) است در این پارچه دیده می‌شود که تمامی تلاش هنرمند و بهره‌گیری از رنگ در جهت القای قدرت توسط طرح مورد نظر را نشان می‌دهد. همچنین تلاش برای ایجاد طرح و نقش هنرمندانه یکی از پرکاربردترین فن‌های کار تزئینی بر روی پارچه بوده، و این بدین معناست که ایجاد نقوش گوناگون بر روی پارچه سبب جلب توجه مخاطب بوده است (مبینی و اسدی ۱۳۹۶، ۵۲).

در منسوج شماره ۹ (نک: جدول ۱) استفاده از حاشیه‌های پرنقش و تصویر کردن خورشید در مرکز پارچه که به مرور زمان تبدیل به یکی از نمادهای قدرت در عهد قاجار شده است دیده می‌شود. خورشید که در بیشتر فرهنگ‌ها به‌عنوان قدرت کیهانی، نیروی حیات و نشانه سلطنت و قدرت است (میرندابوروس ۱۳۹۴، ۱۶)، در مرکزیت این منسوج و به‌شکلی هنرمندانه طرح شده است. استفاده از تارهای نقره برای نشان دادن تالو خورشید در ویژگی زیبایی منسوج و همچنین در توصیف اهمیت و قدرت در پس‌تولید پارچه ذکر شده است. استفاده از رنگ‌های قرمز درخشان و طلایی که نماد قدرت و ثروت است (آیزمن ۱۳۹۱، ۶۷) تفاوت منسوج تولیدشده را در کاربرد یک پوشاک گران‌قیمت به‌خوبی نشان می‌دهد.

با رونق منسوجات پنبه‌ای در دوره قاجار به‌دلیل آنکه نمی‌شد آن را در راستا یا هم‌تراز منسوجاتی چون ابریشم، زری و مخمل قرار داد، هنرمندان و نقاشان قلمکار را بر آن داشت تا از انواع تدابیر فرمی و رنگی بهره بگیرند. در منسوج شماره ۱۰ (نک: جدول ۱)، پارچه قلمکار منقوش شده با نقش گیاه سرو، طاووس و شیر و خورشید و طرح بنه‌جقه همراه با نقوش گیاهی دیده می‌شود. استفاده از نقش قطره اشک یا ترسیم‌های متنوعی شبیه میوه درخت کاج سرو گلابی و طرح اشک‌های گوناگون مورد توجه شاهان قاجار بوده است. سرو به‌علت نیرومندی، دوام و افراستگی، برای ایرانیان علامت قدرت، رونق و آزادگی بوده است (ضابطی جهرمی ۱۳۸۹، ۵۴). به‌دلیل نوع فن چاپ بهره‌گیری از رنگ‌های طبیعی رواج داشته و تکنیک و روش اجرای طرح، استفاده این منسوج را به‌عنوان سرپرده اشرفی (کاربرد نهایی محصول) مورد توجه قرار داده است. گرچه در تولید این منسوج و چاپ قلمکار به فراخور فن چاپ، از پارچه پنبه‌ای استفاده شده، تدابیر دیگری چون کیفیت رنگ و اصالت نقش اهمیت منسوج را دوچندان کرده است. همچنین در پارچه چاپ‌شده شماره ۱۱ (نک: جدول ۱)، پارچه قلمکار، منقوش شده با نقش شکارگاه و شکار شاه که حالتی روایی از خوش‌گذرانی شخص شاه و درباریان در شکارگاه است دیده می‌شود. شکار شیر امتیازی برای پادشاهان و بزرگان نزدیک محسوب می‌شد (همان، ۱۶۷). انتخاب یکی از تفریحات شاه برای روایت بر روی پارچه قلمکار راهی برای بیان اقتدار شاه بوده است. استفاده از چاپ قلمکار و رنگ‌های طبیعی و بهره‌گیری حداکثری از قدرت رنگ آبی، که نشان‌دهنده ثبات و اعتماد است (آیزمن ۱۳۹۱، ۴۳) در این پارچه چایی در جهت بیان توانایی و قدرت چه در روش تولید و چه در کاربرد و مصرف دیده می‌شود. همچنین در پارچه چاپ‌شده شماره ۱۲ (نک: جدول ۱)، پارچه قلمکار، منقوش شده با نقش شکارگاه و شکار شاه که حالتی روایی از خوش‌گذرانی شخص شاه و درباریان در شکارگاه است دیده می‌شود. شکار شیر امتیازی برای پادشاهان و بزرگان نزدیک محسوب می‌شد (همان). انتخاب یکی از تفریحات شاه برای روایت بر روی پارچه قلمکار راهی برای بیان اقتدار شاه بوده است. استفاده از چاپ باتیک و رنگ‌های طبیعی و بهره‌گیری حداکثری از قدرت رنگ در این پارچه چایی دیده می‌شود. آبی رنگی ثابت و قابل اعتماد است (آیزمن ۱۳۹۱، ۴۳). همچنین استفاده از رنگ‌های گرم قوی و تهاجمی که در فضای خودش حرکت را القا می‌کند (سانن و ام.ولان ۱۳۸۹، ۱۶)، در کنار یکدیگر برای القای قدرت هرچه بیشتر در اثر گنجانده شده است. در کل استفاده از پارچه‌های چایی، در ردیف و تراز انواع دیگر از منسوجات بارز در جهت جلب توجه قدرت‌های وقت، مدنظر طراحان پارچه در دوره قاجار بوده است، بدین منظور با ایجاد تصاویری چون شخص شاه، نقوش درباری مانند شکارگاه یا چوگان‌بازی درباریان و استفاده مناسب از رنگ‌هایی با نیروهای بصری و مواد و مصالح باکیفیت و مرغوب، گامی در جهت معرفی هرچه بیشتر این کالا و بهره‌گیری آن توسط متمولان و دربار برداشته شده است.

۷. نتیجه‌گیری

گفتمان دارای معنای کاملاً خاصی است که در آن اشاره به گزاره‌هایی دارد که شیوه تفکر درباره یک چیز و نحوه عمل بر اساس آن را به‌تفصیل شرح می‌دهد، به‌نحوی که درک جهان پیرامون موضوع را از طریق تحلیل گزاره‌ها ممکن می‌سازد. در این پژوهش از منظر فوکو به تحلیل و بررسی نقش قدرت بر شکل‌گیری منسوجات دوره قاجار پرداخته شده است. بر اساس تحلیل گزاره‌ها چنین می‌توان بیان کرد که

به‌طور کلی هنر طراحی منسوجات که به‌طبع توسط نقاشان این دوره صورت می‌گرفت بر مبنای عناصر کهن ایرانی و ادوار پیشین خود بود. گرچه در این هنرها سعی بر رجوع به سنت‌های هنری ایران باستان بود، التقاط‌گرایی هنر ایرانی و غیرایرانی به فراخور زمانی و رویارویی سیاسی و اقتصادی ایران با غرب به وقوع پیوست و در نتیجه سبک هنری پالایش‌یافته‌ای را به وجود آورد که نه می‌توان آن را جدای از ریشه‌های کهن هنر ایران دانست و نه می‌توان آن را تافته‌ای جداافتاده از هنرهای مرسوم ایران معرفی کرد. در این دوره ترکیب‌بندی‌های متقارن و ایستا، رنگ‌بندی‌های متنوع و درآمیخته با سلاقی به‌روزشده مردم روزگار قاجار را می‌توان دید. نقش‌مایه‌های انسانی، جانوری و گیاهی بر طبق سنت‌های هنر ایرانی متداول بود اما با هم‌آمیزی با گفتمان قدرت حاکم بر جامعه که به‌واسطه تبادلات سیاسی و فرهنگی به وقوع پیوسته بود، شخصیتی متفاوت به خود گرفته بود. در این دوره که بنا بر معضلات اقتصادی ناشی از واردات بی‌رویه کالاهای خارجی و فشارهای مالی بر قشر متوسط و بسته شدن کارگاه‌های کوچک تولید منسوجات، طبقه‌بندی اجتماعی به وقوع پیوست که در نتیجه آن فقط گروه متمول و وابسته به دربار از منسوجاتی باکیفیت از قبیل شال‌های کشمیر، مخمل‌های باکیفیت و زری‌بافی‌های یزد و اصفهان و کاشان استفاده می‌کردند و منسوجات مورد مصرف قشر متوسط و پایین جامعه عموماً پارچه‌های پنبه‌ای، ديبت و چلوار بود که با قیمت و کیفیت پایین‌تر به دست مردم عادی می‌رسید.

در این دوره که توان تولید منسوجات کاهش یافته بود، تولیدگران را به‌سمت تهیه و تولید پارچه‌هایی سوق داد که با انواع دوخته‌دوزی‌ها و در ابعاد کوچک‌تری تولید می‌شد و بنا بر توان مالی و موقعیت اجتماعی مواد و مصالح مورد مصرف برای نقش‌اندازی و نقش و رنگ انتخاب می‌شدند. مرصع‌کاری بر زمینه‌هایی از زری‌های ظریف و الوان‌ها و ابریشم‌های باکیفیت قطعاً به انتخاب و صرف هزینه ثروتمندان تهیه می‌شد و داشتن قطعه‌ای از این منسوجات مانند جواهرات به‌عنوان دارایی و ثروت محسوب می‌شد که در دست مردم عادی جای چندانی نداشت. در این پژوهش ۱۲ نمونه از منسوجات موجود در منابع مکتوب و موزه‌ها که بیشترین قرابت معنایی و ساختاری را در توصیف این گفتمان داشته‌اند، مورد خوانش قرار گرفت. این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل گفتمان قدرت به تحلیل ساختار آن‌ها بر بستر منسوجات به‌عنوان روش تحقیق کیفی نگاشته شد. در این گفتمان به بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری یا جهت‌گیری این هنر صنعت پرداخته شد؛ عواملی که بر صنعت پارچه‌بافی و بر اساس چهارچوب‌های نظری قدرت‌های حاکم بر جامعه مؤثر واقع شده است. در این بین، برای شناخت بسیاری از این عوامل تأثیرگذار، گزاره‌هایی مانند جنس پارچه‌ها، رنگ و نقش آن‌ها مورد خوانش قرار گرفته است. گرچه در تمامی منسوجات بررسی شده، نقش غالب در جهت یا تأیید قدرت حکومت غالب نبود، جنس و نوع بافت و یا کاربردها را می‌توان مهم‌ترین مقوله‌های کارکردی منسوجات در جهت تداوم تأثیرات قدرت‌ها دانست؛ این عملکرد را برای شاهان دوره قاجار، درباریان یا وابستگان حکومتی، به‌وضوح می‌توان دید. از ویژگی بارز نمود تأثیرات قدرت بر ساختار منسوجات این دوره، ایجاد نقوش واقعی و قابل تشخیص از شخص شاهان و سردمداران قدرت بر روی پارچه‌ها هم در تکنیک‌های بافت‌شده و هم در شیوه‌های چاپ‌شده است که این شیوه از نقش‌آفرینی را در نمونه پارچه‌های پیشین متمایز می‌کند و تأثیرات ساختارهای قدرت را در فرم و شکل بصری برخی از منسوجات نمایان می‌سازد. علاوه بر آن در بسیاری از منسوجات این دوره از علایم یا نقش‌مایه‌هایی مانند شیر و خورشید و شمشیر یا نقش باغ شاهی استفاده شده است که ریشه در هنر دوره‌های پیشین خود دارند. در ایجاد این نقوش از رنگ‌هایی مانند طلایی، نقره‌ای، فیروزه‌ای و ارغوانی که از محدود رنگ‌هایی است که در ادوار مختلف مورد قبول پادشاهان به‌ویژه شاهان دوره قاجار بوده، استفاده شده است. از جهتی دیگر گرچه روش‌های تولید این منسوجات مانند روش‌های مخمل‌بافی یا رشتی‌دوزی یا قلمکار سبقه دیرینه دارد، نحوه ارائه و مصرف آن‌ها در روزگار قاجار به فراخور قدرت و توانایی افراد در بخش‌های مختلف جامعه بوده است. براینکه این پژوهش نشان داد تعمق شاهان قاجار و همچنین تجدیدگرایی و سلطه‌گری بر جامعه را می‌توان در بسیاری از هنرها از جمله هنر صنعت نساجی و طراحی پارچه در این دوران دید؛ همچنین به دست آمد که تحریم‌ها و عملکردهای سیاسی نادرست باعث کاهش توانایی مالی در جهت تولید پارچه‌های زربفت و روی آوردن به پارچه‌های پنبه‌ای مانند قلمکار شده است؛ چیزی که نشان از تأثیر قدرت بر شکل‌گیری نقوش دارد یا جهت‌گیری فرم‌ها و مواد و مصالح به‌کاررفته را عیناً مشخص کرده است. گرچه این ویژگی‌ها را در بسیاری از منسوجات این دوره می‌توان دید، دارا بودن اصول فرمی خاص در این دوره مطمح نظر است.

پی‌نوشت‌ها

۱. کرباس. [ک] [!] کرباس. (آندراج). جامه سفید (دهخدا).
۲. متقال. [م] [!] پارچه پنبه سفید نکرده که مثقالی نیز گویند (دهخدا).
۳. شال. [!] پارچه پشمی یا کرکی مخصوص که در شهرهای ایران به‌ویژه در کرمان و مشهد و خلخال بافته می‌شود (دهخدا).
۴. برک. [ب-ر] [!] قسمی از گلیم. (برهان؛ فرهنگ فارسی معین؛ ناظم الاطباء). بافته‌ای باشد از پشم شتر که بیشتر درویشان از آن قبا و کلاه سازند (دهخدا).
۵. عبابافی یکی از صنایع دستی و سنتی وابسته به پشم شتر یا گوسفند بوده است (دهخدا).
۶. موتابی. (حامص مرکب) عمل تابیدن موی بز (دهخدا).
۷. این عهدنامه به‌ظاهر خواسته‌ها و مقاصد فتحعلی‌شاه را تأمین می‌کرد، ولی مواد مفاد قرارداد طوری تنظیم شده بود که ناپلئون می‌توانست هر موقع بخواهد از زیر بار تعهدات خود شانه خالی کند. تعهدات فرانسه در قرارداد مزبور به قرار ذیل بود: ۱. ضمانت استقلال ممالک موجوده ایران؛ ۲. شناختن حق ایران بر گرجستان؛ ۳. وعده بذل مساعی کامل در مجبور ساختن روسیه به تخلیه خاک ایران و گرجستان و دخالت فرانسه در عقد عهدنامه صلح با روسیه و... (شمیم ۱۳۹۹، ۵۷).
۸. فتحعلی‌شاه چهل میلیون تومان پول بدهی به همراهی منوچهرخان به تبریز فرستاد و به وساطت سفیر انگلیس مجلسی در قریه ترکمانچای که قرارگاه اردوی پاسکویچ بود، مرکب از سردار مزبور و عباس میرزا و میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام و آصف‌الدوله و حاجی میرزا ابوالحسن خان شیرازی تشکیل گردید و عهدنامه‌ای در ۱۶ فصل و یک قرارداد تجاری الحاقی در ۹ فصل نوشته شد و در تاریخ ۵ شعبان ۱۲۴۳ هجری قمری مطابق با ۱۰ فوریه سال ۱۸۲۸ میلادی به امضای نمایندگان ایران و روسیه رسید (همان، ۹۵).
۹. روسیه تزاری در این عهدنامه نیات و مقاصد استعماری خود را بی‌پرده نشان داد و منافعی عاید آن دولت شد که در هیچ‌یک از جنگ‌های اروپا نتوانسته بود نظیر آن را به دست آورد. علاوه بر آنچه به‌موجب عهدنامه گلستان از ناحیه قفقاز به دارا شده بود، ایروان و نخجوان و بخشی از دشت مغان را مالک شد و مجرای رود ارس سرحد دو دولت گردید، اتباع آن دولت در ایران از تابعیت نسبت به قوانین حقوقی و جزایی ایران معاف شد (همان، ۹۶).

منابع

۱. آژند، یعقوب. ۱۳۹۷. نگارگری ایران. تهران: سمت.
۲. آوری، پیترو. ۱۳۹۳. تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجار از مجموعه تاریخ کمبریج. تهران: جامی.
۳. آیزمن، لئانتریس. ۱۳۹۱. روان‌شناسی کاربردی رنگ‌ها. ترجمه روح‌الله قباد. تهران: بیهق کتاب.
۴. اسکرس، جنیفر. ۱۳۹۹. شکوه هنر قاجار. ترجمه علیرضا بهارلو و مرضیه قاسمی. تهران: انتشارات خط و طرح.
۵. اسمیت، رابرت مرداک. ۱۳۹۹. هنر ایران. ترجمه کیانوش معتقدی. تهران: خط و طرح.
۶. برتس، هانس. ۱۳۹۷. مبانی نظری ادبی. چ ۵. تهران: ماهی.
۷. بروس میتفورد، میراندا. ۱۳۹۴. دایرةالمعارف نمادها و نشانه‌ها. ترجمه معصومه انصاری و حبیب بشیرپور. تهران: سایان.
۸. پاکباز، رویین. ۱۳۹۲. نقاشی ایران از دیرباز تا امروز. تهران: زرین و سیمین.
۹. پوپ، آرتور، و فیلیس آکرمن. ۱۳۹۴. سبزی در هنر ایران جلد هفتم (لوح‌های دوران اسلامی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. پناهی سمنانی، و محمد احمد. ۱۳۷۷. ناصرالدین‌شاه و فراز و فرود استبداد سنتی در ایران. تهران: انتشارات نمونه.
۱۱. پور پیرار، ناصر. ۱۳۸۲. هم‌نشینی رنگ‌ها. تهران: کارنگ.
۱۲. پلاک، یاکوب ادوارد. ۱۳۶۸. سفرنامه پلاک ایران و ایرانیان. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: خوارزمی. مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه تهران.
۱۳. ترلینگ، جیمز. ۱۳۹۴. زبان‌ترین. ترجمه منصور حسامی و فهیمه زارع‌زاده. تهران: دانشگاه هنر.
۱۴. تیلور، استفنی. ۱۳۹۹. تحلیل گفتمان چیست. ترجمه عرفان رجبی و پدram منبعی. چ ۲. تهران: نشر نویسه پارسی.
۱۵. جمشیدیان، سجاد، و علی آرامشی‌نیا. ۱۳۹۷. فصلنامه تاریخ روابط خارجی ۱۹ (۷۴): ۷۸-۵۱.
۱۶. دالماتی، هانری. رنه. ۱۳۴۷. سفرنامه از خراسان تا بختیاری. گردآوری: محمدعلی فره‌وشی. ترجمه همایون، فره‌وشی. تهران: امیرکبیر.
۱۷. دل‌زنده، سیامک. ۱۳۹۶. تحولات تصویری هنر ایران. تهران: نظر.
۱۸. دیبا، لیلا. ۱۳۹۱. پوشاک در ایران زمین. از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا. ترجمه پیمان متین. تهران: امیرکبیر.
۱۹. دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۷. لغت‌نامه. تهران: انتشارات قومس.

۲۰. رز، ژیلیان. ۱۳۹۸. تحلیل تصویر. ترجمه سید جمال‌الدین اکبرزاده جهرمی. تهران: انتشارات فرهنگ و هنر و ارتباطات.
۲۱. رفیعی، عاطفه، و یاسر عرب. ۱۳۹۷. تاریخ مبلمان ایران. تهران: فخراکبا.
۲۲. روح‌فر، زهره. ۱۳۸۰. هنر پارچه‌بافی در دوره قاجار. تهران: آرمانشهر.
۲۳. حسن، زکی محمد. ۱۳۷۷. هنر ایران در روزگار اسلامی. ترجمه محمدابراهیم اقلیدی. تهران: صدای معاصر.
۲۴. ساتن، تینا و برید ام‌ولان. ۱۳۸۹. هارمونی رنگ. ترجمه مریم مدنی. تهران: مارلیک.
۲۵. سجودی، فرزانه، و بهناز قاضی مرادی. ۱۳۹۱. تأثیر گفتمان مشروطیت بر هنجارهای تصویری دوره قاجار. جامعه‌شناسی هنر و ادبیات ۱۴ (۱): ۱۲۲-۹۳.
۲۶. سرمد، غلامعلی. ۱۳۷۲. اعزاز محصل به خارج از کشور در دوره قاجاریه. تهران: نشر بنیاد.
۲۷. سلیم، محمد نبی. ۱۳۹۰. تاریخ تمدن و فرهنگ ایران زمین. تهران: انتشارات جامی.
۲۸. سیف، هادی. ۱۳۹۷. دانشنامه نهضت‌های هنری ایرانی قلمکار نقاشی. تهران: سازمان زیباسازی شهر تهران.
۲۹. شاه‌حسینی، ناصرالدین. ۱۳۵۶. تمدن و فرهنگ ایران از آغاز تا پهلوی. چ ۳. تهران: انتشارات دانشگاه سپاهیان انقلاب.
۳۰. شمیم، علی اصغر. ۱۳۹۹. ایران در دوره سلطنت قاجار. تهران: مدبر.
۳۱. شوالیه، ژان، و آلن گریبان. ۱۳۸۸. فرهنگ نمادها و نشانه‌ها. ج ۳ و ۴. ترجمه سودابه فضاییلی. تهران: انتشارات جیحون.
۳۲. شهشهانی، سهیلا. ۱۳۹۶. پوشاک دوره قاجار. مشهد: فرهنگسرای میردشتی.
۳۳. ضابطی جهرمی، احمد. ۱۳۸۹. پژوهش‌هایی در شناخت هنر ایران. تهران: نشر نی.
۳۴. ضیمران، محمد. ۱۳۹۹. میشل فوکو: دانش و قدرت. تهران: انتشارات هرمس.
۳۵. طالب‌پور، فریده. ۱۳۹۶. پارچه و پارچه‌بافی در تمدن اسلامی. تهران: سمت.
۳۶. طاهری، صدرالدین. ۱۳۹۶. نشانه‌شناسی کهن‌الگوها. تهران: شوراقرین.
۳۷. عطارزاده، عبدالکریم، و مهران هوشیار. ۱۳۹۶. هنرهای صناعی. تهران: سمت.
۳۸. غیبی، مهرآسا. ۱۳۸۸. هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی. تهران: هیرمند.
۳۹. فریزر، جیمز بیلی. ۱۳۶۴. سفرنامه سفر زمستانی. ترجمه منوچهر امیری. تهران: توس.
۴۰. فوکو، میشل. ۱۳۷۸. مراقبت و تنبیه. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نشر نی.
۴۱. ———. ۱۳۷۹. فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی.
۴۲. گشایش، فرهاد. ۱۳۹۲. تاریخ هنر. تهران: مارلیک.
۴۳. لوشر، ماکس. ۱۳۹۳. روان‌شناسی رنگ‌ها. ترجمه لیلا مهرادپی. تهران: حسام.
۴۴. مبینی، مهتاب، و اعظم اسدی. ۱۳۹۶. سیری در مد و لباس دوره قاجار. تهران: مرکب هنر.
۴۵. محمدپناه، بهنام. ۱۳۹۲. کهن دیار (تاریخ ایران از ظهور اسلام تا پایان قاجار). تهران: انتشارات سبزان.
۴۶. مستوفی، عبدالله. ۱۳۴۳. شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه از آقا محمدخان تا آخر ناصرالدین‌شاه). تهران: انتشارات زوار.
۴۷. موسوی، سید علی، فاطمه سراییان، و محمدحسن سمسار. ۱۳۹۰. فهرست عکس‌های برگزیده عصر قاجار. تهران: زریران.
۴۸. مونس‌سرخه، مریم. ۱۳۹۶. پوشاک ایرانیان در عصر قاجار (چگونگی و چرایی). تهران: دانشگاه الزهرا.
۴۹. وردن، جنیفر، و پاتریشیا بیکر. ۱۳۹۶. منسوجات ایرانی. ترجمه مهران محبوبی. تهران: نظر.
۵۰. نوائی، عبدالحسین. ۱۳۶۹. ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصری. تهران: نشر هما.
۵۱. هیندس، باری. ۱۳۹۹. گفتارهای قدرت از هابز تا فوکو. تهران: تیرازه.
۵۲. یآوری، حسین. ۱۳۹۲. نساجی سنتی ایران. تهران: سوره مهر.

53. Gillow, John. 2017. *Textile of the Islamic World*. UC SAN DIEGO LIBRARY.

54. Carey, Moya. 2017. *Persian Art Victoria and Albert Museum*. ISBN : 9781851779338.

55. URL 1 : [https://iiif.lib.harvard.edu/manifests/view/drs:6665026\\$6i](https://iiif.lib.harvard.edu/manifests/view/drs:6665026$6i). (access date : 2020/09/21)

56. URL2 : [https://iiif.lib.harvard.edu/manifests/view/drs:6665026\\$6i](https://iiif.lib.harvard.edu/manifests/view/drs:6665026$6i). (access date : 2020/09/05)

57. URL 4 : <https://iiif.lib.harvard.edu/manifests/view/ids:50595635>. (access date : 2021/05/05)

58. URL5 : <https://iiif.lib.harvard.edu/manifests/view/ids:45382550>. (access date : 2020/09/21)

59. URL 6: <https://hali.com/news/qajar-imperial-tent-in-cleveland/>. (access date : 2020/09/21)

60. URL 7: <https://rugrabbitt.com/node/160790>. (access date : 2020/09/21)

بصناع
پهنه‌ها ایرا

تبیین تأثیرات نظام قدرت بر
منسوجات دوره قاجار،
۱۳۳۰-۱۰۵